



Article Type: Research paper

The UAE's Foreign Policy Strategy in the Syrian Crisis, 2011-2024

*Seyed Ali Nejat

Ph.D. Candidate in Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

Article Info.

Received: 2024/12/15

Accepted: 2024/3/29

Available Online: 2025/6/10

Keywords:

Syrian crisis, United Arab Emirates, pragmatism, Middle East.

* Corresponding Author:

Seyed Ali Nejat, Ph.D.

Candidate

Address: Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

E-mail:

sa.nejat@ut.ac.ir

Abstract

The beginning of the wave of Arab revolutions in the Middle East and North Africa in late 2010 changed the regime pattern in the region and the actions of some regional actors. The developments brought about by the popular uprisings and the decline of classical powers in the region such as Egypt, Syria and Iraq encouraged the UAE to play a role as an emerging power and a major player in regional equations by increasing its geopolitical weight. The UAE, which had established good relations with Bashar al-Assad's government until 2011 and was considered one of the largest foreign investors in Syria, severed its diplomatic relations with Damascus at the beginning of the crisis and started supporting the Syrian opposition. The years 2012 to 2014 were the era of aggressive foreign policy and the peak of the UAE's efforts to overthrow Bashar al-Assad's government, but from the beginning of 2018, Abu Dhabi's approach changed from the policy of threats and pressure to the policy of de-escalation and normalization of relations. The visit of the UAE foreign minister to Damascus at the end of 2021 and the visit of the Syrian president to the UAE at the beginning of 2022 is considered a turning point in the relations between the UAE and Syria. Therefore, the current research, using the descriptive-analytical method and relying on library and electronic sources, seeks to answer the question, what is the reason for the UAE's turn from an aggressive policy to the normalization of relations with Syria?

How to Site:

Nejat, Sayyed Ali. (2025) UAE Foreign Policy Strategy in the Syrian Crisis 2011-2024. Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, 7(1), 292-314.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

راهبرد سیاست خارجی امارات در بحران سوریه ۲۰۱۱ - ۲۰۲۴

* سید علی نجات

دانشجوی دکترای مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۵ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۷ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۲۰ خرداد ۱۴۰۴

چکیده

شکل‌گیری موج انقلاب‌های عربی در پایان سال ۲۰۱۰ در خاورمیانه و شمال آفریقا، الگوی نظم منطقه‌ای و کنش برخی از بازیگران منطقه‌ای را متحول و دگرگون کرد. تحولات ناشی از خیزش‌های مردمی و افول قدرت‌های کلاسیک منطقه نظیر مصر، سوریه و عراق، امارات متحده عربی را ترغیب کرد تا با افزایش ثقل ژئوپلیتیک خود، به‌عنوان قدرت نوظهور و بازیگر کلیدی در معادلات منطقه‌ای نقش‌آفرینی کند. امارات که تا سال ۲۰۱۱ روابط خوبی با دولت بشار اسد برقرار کرده بود و یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی در سوریه به‌شمار می‌رفت، با آغاز بحران، روابط دیپلماتیک خود را با دمشق قطع کرد و به حمایت از اپوزیسیون سوریه پرداخت. سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴، دوران سیاست خارجی تهاجمی و اوج تلاش‌های امارات برای سرنگونی دولت بشار اسد بود، اما از ابتدای ۲۰۱۸ رویکرد ابوظبی از سیاست تهدید و فشار به سیاست تنش‌زدایی و عادی‌سازی روابط تغییر کرد. سفر وزیر خارجه امارات به دمشق در پایان سال ۲۰۲۱ و سفر بشار اسد به امارات در آغاز سال ۲۰۲۲، نقطه عطفی در روابط امارات و سوریه به‌شمار می‌رود. از این‌رو، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تبیینی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که دلیل چرخش امارات از سیاست تهاجمی به عادی‌سازی روابط با سوریه چیست؟ در پاسخ به این پرسش، نویسنده با کاربردی‌ترین چهارچوب مفهومی پراگماتیسم این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد که ملاحظات منطقه‌ای و بین‌المللی و مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی، منجر به تغییر رویکرد سیاست خارجی امارات متحده عربی در قبال بحران سوریه شده است.

کلیدواژه‌ها:

بحران سوریه، امارات
متحده عربی، پراگماتیسم،
محمد بن زاید، خاورمیانه.

* نویسنده مسئول:

سید علی نجات

نشانی: دانشکده حقوق و علوم
سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
پست الکترونیک:
sa.nejat@ut.ac.ir

استناد به این مقاله:

نجات، سید علی. (۱۴۰۴). راهبرد سیاست خارجی امارات در بحران سوریه ۲۰۱۱ - ۲۰۲۴. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۷(۱)، ۲۹۲-۳۱۴.

۱. مقدمه

پویایی تحولات منطقه‌ای پس از خیزش‌های مردمی سال ۲۰۱۰، برخی از بازیگران را بر آن داشت تا نقش و جایگاه خود را در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی تغییر دهند. یکی از این بازیگران که آشکارا تمام تلاش خود را در عرصه سیاست خارجی برای این امر به کار گرفت، امارات بود. امارات متحده عربی در سال ۱۹۷۱ میلادی از شش امیرنشین ابوظبی، دبئی، شارجه، فجیره، عجمان و ام‌القوین تشکیل شد. یک سال بعد راس الخیمه نیز به این شش امارت اضافه شد و امارات متحده عربی رسمیت پیدا کرد. سیاست خارجی امارات متحده عربی از بدو تأسیس تاکنون با تغییرات الگویی و رفتاری همراه بوده است. سیاست خارجی این کشور در دوران شیخ زاید آل‌نهیمن محافظه‌کارانه و مبتنی بر حفظ وضع موجود و سیاست میانجی‌گری بود، اما خیزش‌های مردمی دهه دوم هزاره جدید نقطه عطفی در تحول رویکرد سیاست خارجی امارات از سیاست محافظه‌کارانه به سیاست تهاجمی بود.

در دهه گذشته، امارات متحده عربی سیاست خارجی تهاجمی را دنبال کرد که اغلب بر اهرم‌های قدرت سخت متکی است. ابوظبی نقش مهمی در سرکوب اعتراضات مردمی در بحرین، سرنوشتی رژیم معمر قذافی رهبر سابق لیبی، پشتیبانی از مخالفان نظام سوریه، حمایت از کودتای عبدالفتاح السیسی علیه دولت اخوان المسلمین مصر، حمایت گسترده از نیروهای خلیفه حفتر در لیبی علیه دولت فایز السراج، که مورد حمایت جامعه بین‌الملل است، ایفا کرد. (Kirkpatrick, 2019) امارات همچنین در ائتلاف بین‌المللی علیه داعش به رهبری ایالات متحده آمریکا شرکت کرد و در جنگ علیه یمن همکاری مؤثری با عربستان سعودی داشت، به طوری که این کشور برای اولین بار جنگ را تجربه کرد. امارات همچنین در اعمال محاصره قطر در ژوئن ۲۰۱۷ و تشدید آن نقش اساسی داشت، اما با کاهش شدت ناآرامی‌ها در منطقه پس از انقلاب‌های عربی، سیاست خارجی امارات از ابتدای ۲۰۲۱، که می‌توان آن را سال تنش‌زدایی نامید، شاهد چرخش و تغییرات زیادی بوده است. امارات با اتخاذ رویکردی محتاطانه و واقع‌بینانه در تلاش است بدون تغییر در اهداف و اصول سیاست خارجی و براساس راهبرد «به صفر رساندن تنش» خود را با شرایط جدید در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی تطبیق دهد.

یکی از نشانه‌های شروع راهبرد بازتنظیم سیاست خارجی امارات، چرخش نگاه ابوظبی نسبت به بحرین سوریه بود. امارات که پیش از سال ۲۰۱۱، روابط بسیار نزدیکی با دولت

بشار اسد داشت و دومین سرمایه‌گذار بزرگ در میان کشورهای عربی در سوریه بود، پس از تشدید ناآرامی‌ها و شکل‌گیری بحران در سوریه، همانند بسیاری از کشورهای عربی، سفارت خود در دمشق را تعطیل و روابط دیپلماتیک با دولت دمشق را قطع کرد و به صف مخالفان دولت پیوست. امارات متحده عربی همچنین در سال ۲۰۱۳، رسماً خواستار سرنگونی حکومت سوریه شد و تأکید کرد که از اقدامات کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای پایان حکومت بشار اسد حمایت می‌کند. (Obeida, 2020: 5)

اما سیاست خارجی تهاجمی و رویکرد تهدید و فشار امارات در خصوص سوریه ثابت و پایدار نبود و از سال ۲۰۱۵، ابوظبی سیاست صبر و انتظار و سپس عادی‌سازی روابط با سوریه را جایگزین کرد. امارات در سال ۲۰۱۸، نخستین گام‌ها را برای عادی‌سازی روابط با دمشق برداشت. در واقع، امارات از نخستین کشورهای عربی است که سفارت خود در دمشق را در دسامبر ۲۰۱۸ و پس از هفت سال بازگشایی کرد. بشار اسد نیز در مارس ۲۰۲۲ پس از سفر وزیر امور خارجه امارات به دمشق، در نخستین سفر به یک کشور عربی از سال ۲۰۱۱، به ابوظبی رفت. پس از این رویداد، امارات نقش مهمی در میانجی‌گری برای عادی‌سازی روابط سوریه با دیگر کشورهای عربی و بازگشت سوریه به اتحادیه عرب ایفا کرد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تبیینی-تحلیلی به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که دلیل چرخش امارات از سیاست تهاجمی به عادی‌سازی روابط با سوریه چیست؟ در پاسخ به این پرسش، نویسنده با کاربست چهارچوب مفهومی پراگماتیسم، این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد که ملاحظات منطقه‌ای و بین‌المللی و مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی، منجر به تغییر رویکرد سیاست خارجی امارات در قبال بحران سوریه شده است.

۲. پیشینه پژوهش

در طول دهه گذشته، پژوهش‌های متعددی در قالب کتاب و مقالات پژوهشی درباره بحران سوریه و نقش قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی منتشر شده است. در خصوص سیاست خارجی منطقه‌ای امارات پس از انقلاب‌های عربی نیز پژوهش‌های مختلفی انجام شده است که بیشتر در مورد نقش امارات متحده عربی در تحولات بحرین، یمن و ابعاد عادی‌سازی روابط امارات با اسرائیل بوده است.

در حقیقت، علیرغم نگارش ده‌ها مقاله در مورد نقش و راهبردهای بازیگران منطقه‌ای از جمله

ایران، عربستان سعودی، ترکیه، قطر و اسرائیل در بحران سوریه، اما هیچ کدام از مقالات فارسی اشاره‌ای به رویکرد امارات در بحران سوریه نداشته‌اند. در ادامه به مهم‌ترین مقالاتی که بیشترین قرابت با پژوهش پیش‌رو را دارند اشاره می‌شود.

حسینی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «نقش امارات متحده عربی در تحولات بحرین و یمن» این فرضیه را بررسی کرده که امارات متحده عربی با توجه به عوامل ژئوپلیتیک و همچنین همگرایی مذهبی با کارگزاران حاکم در بحرین و احساس خطر از جانب نیروهای مقاومت انصارالله در یمن نقش فعالی برای مقابله با آنها در پیش گرفته است. غلام‌نیا (۱۳۹۸) در مقاله خود روند تحول و انتقال موقعیت منطقه‌ای امارات از قدرت کوچک به بازیگری با نقش ویژه منطقه‌ای را بررسی کرده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که ادراک تهدیدآمیز محمد بن زاید آل نهیان از اسلام سیاسی که با سیطره ابوظبی بر سیاست امنیتی امارات متحده عربی و به حاشیه رانده شدن امارت‌های دبی، شارجه و فجیره همراه شده، ضمن شکل دهی به هویت و ترجیحات امارات، زمینه‌ساز تلاش این امیرنشین برای ایفای نقش منطقه‌ای جدید و مبتنی بر حضور فعال در بحران‌های منطقه‌ای شده است.

در پژوهش‌های غیرفارسی‌زبان، آردمگنی (۲۰۲۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست خارجی امارات از شبه‌نظامیان در ریموند تا دیپلماسی تنگه‌ها» معتقد است امارات پس از سال‌ها ماجراجویی نظامی در خارج از کشور از سال ۲۰۲۰ برای کاهش تهدیدات ژئوپلیتیکی و بهبود وجهه بین‌المللی خود، دیپلماسی را بر ماجراجویی نظامی ترجیح داده و دیپلماسی تنگه نیز در خدمت این حوزه بوده است. با وجود این، امارات در حال تغییر سیاست خارجی خود بدون تسلیم شدن از جاه‌طلبی‌های خود برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای متوسط است. نجات (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «پویایی سیاست خارجی امارات در بحران‌های منطقه‌ای» این فرضیه را مطرح کرده است که فاکتورهای متعددی در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی همانند هزینه‌زا بودن سیاست خارجی تهاجمی و شکل‌گیری تهدیدات امنیتی، مشکلات اقتصادی ناشی از شیوع ویروس کرونا و به تبع آن کاهش درآمدهای گردشگری و کاهش قیمت نفت و روی کار آمدن دولت دموکرات در ایالات متحده موجب دگردیسی در سیاست خارجی ابوظبی شده است. از این‌رو، امارات تلاش کرده است با گذار از الگوی «اسپارت کوچک» به سمت مدل «سنگاپور خاورمیانه» متمایل شود.

بررسی منابع و متون پژوهش حاکی از آن است که تاکنون تحقیق مستقلی که به صورت خاص بر نقش و رویکرد سیاست خارجی امارات در بحران سوریه متمرکز باشد، موجود نیست. ازاین‌رو، مقاله پیش‌رو با کاربست چهارچوب مفهومی پراگماتیسم، پیرامون انگیزه‌های دگردیسی در سیاست خارجی امارات متحده عربی و دلایل چرخش از سیاست تهاجمی به عادی‌سازی روابط با دمشق طی یک دهه گذشته، پژوهشی جدید و دارای نوآوری محسوب می‌شود.

۳. چهارچوب مفهومی؛ پراگماتیسم

در اواخر قرن نوزدهم روشی فلسفی موسوم به پراگماتیسم^۱ در آمریکا توسط بعضی از اندیشمندان و متفکران به ظهور رسید. به نظر این متفکران، پراگماتیسم انقلابی است علیه ایده‌آلیسم و کاوش‌های عقلی محض که فایده‌ای برای انسان ندارد درحالی‌که این فلسفه روشی است در حل مسائل عقلی که می‌تواند در مسیر ترقی انسان بسیار سودمند باشد. پراگماتیسم به‌عنوان فلسفه‌ای آمریکایی توسط چارلز ساندروز پیرس (۱۸۳۹-۱۹۱۴)، ویلیام جیمز (۱۸۴۲-۱۹۱۰)، جان دیویی (۱۸۵۹-۱۹۵۲)، جورج هربرت مید (۱۸۶۳-۱۹۳۱) و جین آدامز (۱۸۶۰-۱۹۳۵) پایه‌گذاری شد. پراگماتیسم را در فارسی به اصالت عمل، عمل‌گرایی و ابزارنگاری ترجمه کرده‌اند. این کلمه از واژه یونانی پراگما (pragma) به معنی عمل، مشتق شده است. واژه‌های پراتیک (practice) به معنی اصل عمل و تمرین و پراکتیکال (practical) به معنی «عملی» از همین کلمه ناشی می‌شود. (Ghanbari, 2004: 41) چارلز پیرس برای نخستین بار در سال ۱۸۷۸ اصطلاح پراگماتیسم را به کار برد و تا حدی در پایه‌گذاری فلسفه مزبور به‌عنوان روش پژوهش اقدام کرد. ویلیام جیمز توجه محافل فلسفی را به این مکتب جلب کرد و در توسعه آن کوشید و جان دیویی نیز در تحکیم مبانی آن و ارتباطش با حوزه‌های اجتماعی و سیاسی کوشش کرد. پراگماتیسم در دوره معاصر نیز به رشد خود ادامه داد. اندیشه‌های پراگماتیستی در قرن بیستم تحت عنوان نئوپراگماتیسم یا پراگماتیسم زبانی توسط ریچارد رورتی، هیلاری پاتنام، دونالد دیویدسون، ویلارد وان اورمان کوبین، استنلی فیش و دیگران تداوم یافت. (Max & Fisch, 1951: 9)

پراگماتیسم پس از ظهور، در علوم مختلفی ازجمله علوم سیاسی و روابط بین‌الملل تأثیر گذاشت. پراگماتیسم در روابط بین‌الملل به رویکردی عمل‌گرایانه و واقع‌بینانه اشاره دارد که بر نتایج عملی و منافع ملموس تمرکز دارد. برخی از ویژگی‌های اصلی رویکرد پراگماتیستی در

1. pragmatism

روابط بین الملل عبارت‌اند از:

۱. ابزارگرایی و پایبند نبودن به اخلاق: در نگرش پراگماتیسم، هدف وسیله را توجیه می‌کند. بدین معنا که سیاستمداران عملگرا، از هر راه و شیوه‌ای برای دستیابی به اهداف استفاده می‌کنند. در پراگماتیسم سیاسی، مفهوم و اصطلاحی به نام اخلاق وجود ندارد. در این نگرش، فضائلی همانند راستگویی، پرهیز از دروغ، پرهیز از فریب، عهدشکنی و غیره تا آنجا پذیرفتنی هستند که ممانعتی برای انسان در رسیدن به اهداف ایجاد نکنند (Eskflier, 1987: 304).

۲. رد هرگونه اصول‌گرایی: پراگماتیسم با هر نوع قاعده از پیش تعریف‌شده مخالف است، زیرا پایبندی به هر اصل مشخصی، لزوماً ایجاد یک قید است و چون مقید بودن، در نقطه مقابل توانایی انعطاف منطبق بر مصالح است بنابراین هر نوع اصول‌گرایی، صرف‌نظر از ویژگی‌های آن، به‌عنوان مانع مطرح می‌شود. (Sabzian & Bahman, 2010: 109) براساس این اصل، پرهیز از تعصبات ایدئولوژیک امری ضروری است و امکان همکاری با هر کنشگری در صورت دارا بودن منافع مشترک وجود دارد.

۳. واقع‌گرایی: پراگماتیست‌ها سعی می‌کنند جهان را آن‌گونه که هست ببینند، نه آن‌گونه که می‌خواهند باشد. توجه به عناصر واقعی و آنچه است، از جایگاه مهمی در پراگماتیسم سیاسی برخوردار است. بی‌توجهی به آرمان‌ها و آرمان‌گرایی به‌عنوان مبدأ و پایه اساسی تفکر، همواره یکی از ویژگی‌های سیاست پراگماتیستی بوده است. از این حیث حتی می‌توان پراگماتیسم را واکنشی در برابر آرمان‌گرایی محسوب کرد.

۴. انعطاف‌پذیری: این رویکرد بر انعطاف‌پذیری در مواجهه با شرایط متغیر بین‌المللی تأکید دارد و معتقد است سیاست‌ها باید براساس واقعیت‌های موجود تنظیم شوند. یک پراگماتیست کاملاً منعطف و قادر به تطبیق خویش با شرایط متضاد است. درواقع این شرایط تعیین‌کننده نحوه رفتار و عمل است بنابراین انطباق با شرایط و تشخیص اثربخشی عملی اتخاذ یک اقدام، مناسب بودن یا نامناسب بودن اتخاذ آن رفتار را تعیین می‌کند.

۵. منفعت‌طلبی: از نظر پراگماتیسم سیاسی، آنچه اهمیت دارد، اصل سودمندی و منفعت است. مطابق این اصل، عمل باید براساس نتیجه یا منفعت نهایی در نظر گرفته شود. بر این اساس، کسب، حفظ و افزایش منفعت یکی از ویژگی‌های اساسی پراگماتیسم سیاسی محسوب

می‌شود. (Sabzian & Bahman, 2010: 110)

۶. همکاری براساس منافع مشترک: پراگماتیست‌ها بر این باورند که مفهوم همکاری باید جایگزین مفهوم رقابت شود، زیرا همکاری بیش از رقابت با طبیعت بشر سازگار است و در حوزه سیاسی نیز می‌تواند در دستیابی به منافع مؤثرتر از رقابت عمل کند. در حقیقت، این اصل بر همکاری با سایر کشورها براساس منافع مشترک تأکید دارد، حتی اگر اختلافات ایدئولوژیک وجود داشته باشد. (De Tocqueville, 2017: 66)

۷. دیپلماسی فعال و انتخاب گزینه‌های عملی: این اصل بر استفاده از دیپلماسی و مذاکره برای حل منازعات و اختلافات و پیشبرد منافع ملی تأکید دارد. پراگماتیست‌ها معتقدند سیاست خارجی باید براساس منافع ملی شکل بگیرد، نه ایدئولوژی یا اصول انتزاعی. پراگماتیست‌ها تلاش می‌کنند بهترین گزینه‌های موجود را انتخاب کنند، حتی اگر ایده‌آل نباشند. (Zaabal, 2021)

به طور کلی، رویکرد پراگماتیستی در روابط بین‌الملل به دنبال اتخاذ سیاست‌هایی است که حداکثر سود را برای کشور به همراه داشته باشد، بدون اینکه درگیر اصول انتزاعی شود. پراگماتیسم به عنوان یک فلسفه و رویکرد عمل‌گرایانه در بسیاری از کشورها از جمله ایالات متحده و کشورهای اسکاندیناوی به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته است. البته میزان و نحوه به کارگیری پراگماتیسم در کشورها متفاوت است و گاه با فلسفه‌ها و رویکردهای دیگر ترکیب می‌شود. همچنین پراگماتیسم در بسیاری از کشورهای دیگر نیز به درجات مختلف مورد توجه قرار گرفته است.

امارات متحده عربی در چند سال گذشته تلاش کرده است تصویری از یک کشور عملگرا و منفعت‌محور از خود به نمایش بگذارد و خود را به عنوان کنشگری مطرح کند که با همه بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در ارتباط بوده است. رویکرد جدید امارات در تنش‌زدایی با ترکیه، ایران و سوریه و عادی‌سازی روابط با اسرائیل در قالب توافق ابراهیم را می‌توان نقطه عطفی در چرخش ابوظبی به سمت اتخاذ سیاست خارجی پراگماتیک دانست. چرخش‌های سیاست خارجی در دولت‌های پراگماتیست، مبنای روشنی دارد و آن دستیابی به اهداف و اصل منفعت‌طلبی است. بدین ترتیب باید گفت که رویکرد امارات در حوزه سیاست خارجی به مصداق واقعی دیدگاه‌های عمل‌گرایانه تبدیل شده است که بر مبنای آن دوست و دشمن دائمی برای کشورها وجود ندارد و تنها منافع ملی است که باید چراغ راهنمای مقامات تصمیم‌گیرنده در یک کشور باشد.

۴. چرخش و دگردیسی سیاست خارجی امارات در بحران سوریه

روابط امارات و سوریه طی دو دهه گذشته فراز و فرودهای متعددی داشته است. امارات پیش از سال ۲۰۱۱، از روابط بسیار نزدیک با دولت بشار اسد برخوردار بود و دومین سرمایه‌گذار بزرگ در میان کشورهای عربی در سوریه، به‌ویژه در بخش املاک و گردشگری بود، به‌طوری‌که ارزش کل سرمایه‌گذاری‌های امارات در سوریه در ابتدای ۲۰۱۱، بیش از ۲۰ میلیارد دلار بود، Al-Ani, 2021)) اما پس از تشدید ناآرامی‌ها و بروز بحران در سوریه، امارات در سال ۲۰۱۲ براساس طرح شورای وزیران اتحادیه عرب همانند بسیاری از کشورهای عربی سفارت خود را تعطیل کرد و به صف اپوزیسیون دولت سوریه پیوست. به طور کلی، رویکرد سیاست خارجی امارات در قبال بحران سوریه را می‌توان به سه دوره مجزا و جداگانه تقسیم‌بندی کرد.

دوره نخست: ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴

دوره نخست سیاست خارجی امارات در رابطه با بحران سوریه را می‌توان دوره «تهدید و فشار» نامید. سیاست خارجی امارات بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴، اوج تحرکات داخلی و خارجی برای براندازی دولت بشار اسد و پیروی صرف از سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بود. راهبرد ابوظبی در این دوره حمایت از مخالفان و اصرار بر کناره‌گیری بشار اسد از قدرت بود.

در سطح سیاسی، امارات متحده عربی سفارت خود را در دمشق در فوریه ۲۰۱۲ تعطیل و روابط دیپلماتیک خود را با دولت قانونی سوریه قطع کرد. در سال‌های اولیه بحران سوریه، مقامات سیاسی امارات انتقادات گسترده‌ای از نظام سوریه کردند. عبدالله بن زاید آل نهیان، وزیر خارجه امارات متحده عربی در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۳ مخالفت صریح خود را با دولت بشار اسد اعلام کرد. شیخ محمد بن راشد آل مکتوم، معاون رئیس امارات و حاکم دبی در ۱۳ ژانویه ۲۰۱۴ گفت که هیچ راه‌حل بلندمدتی برای پایان دادن به جنگ با بشار اسد در قدرت وجود ندارد و پیش‌بینی کرد که رئیس‌جمهور سوریه در نهایت قدرت را از دست خواهد داد. (Al-Mahrah Post, 2018) امارات همچنین به گروه موسوم به «دوستان سوریه»، که نخستین کنفرانس آن در فوریه ۲۰۱۲ در تونس برگزار شد، پیوست. ابوظبی همچنین یکی از حامیان اصلی گروه‌های اپوزیسیون سوری از جمله ائتلاف ملی سوریه و شخصیت‌های سیاسی معارض سوری از جمله احمد الجربا بود. در سال ۲۰۱۳، امارات متحده عربی رسماً خواستار سرنگونی دولت سوریه شد و تأکید کرد که از تحرکات کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای پایان دادن

به حکومت بشار اسد حمایت می‌کند. (Obeida, 2020: 5)

در سطح نظامی، اگرچه نقش امارات متحده عربی کمتر از عربستان سعودی و قطر بود؛ ابوظبی از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴، حامی گروه‌های مسلح ضد نظام سوریه به‌خصوص ارتش آزاد بود. کمک‌های مالی ابوظبی به گروه‌های مسلح سوریه بیش از یک میلیارد دلار برآورد شده است که از طریق عملیات «تیمبر سیکامور»^۲ که سازمان سیا و نیروهای عملیات ویژه ایالات متحده آن را اداره می‌کردند، ارائه شد. بودجه اکثر نیروهای فعال در جبهه جنوب را تقریباً به شکل کامل امارات متحده عربی و عربستان سعودی تامین می‌کردند. امارات همچنین در کنار عربستان سعودی، اردن، ترکیه، اسرائیل، آمریکا، انگلیس و فرانسه نقش مهمی در اتاق عملیات نظامی موک ایفا کرد. (Nejat, 2016: 72)

در بعد اقتصادی، اماراتی‌ها از فعالیت تجار و بازرگانان سوریه مقیم امارات متحده عربی و مخالفان نظام سوریه استقبال کردند. در نوامبر ۲۰۱۲، اتاق بازرگانی و صنعت دبی کنفرانس «مشارکت برای سرمایه‌گذاری در آینده سوریه» را تحت نظارت وزارت امور خارجه امارات با حضور بسیاری از بازرگانان سوریه مستقر در امارات برای بحث در مورد فرصت‌های ایجاد سازمان‌دهی اقتصاد سوریه در دوران پسا اسد برگزار کرد. (Sky News, 2012)

دوره دوم: ۲۰۱۵ - ۲۰۱۷

سیاست خارجی تهاجمی و رویکرد تهدید و فشار امارات علیه سوریه پایدار نبود و از اواخر سال ۲۰۱۵، ابوظبی رویکرد جدیدی را برگزید که می‌توان آن را «عقب‌نشینی تدریجی از سیاست تهدید و فشار» نامید. پس از ورود نظامی روسیه به جنگ داخلی سوریه در سپتامبر ۲۰۱۵ و پیشروی ارتش سوریه با پشتیبانی نظامی ایران، حمایت‌های مالی و نظامی امارات از جناح‌های مخالف نظام سوریه به تدریج کاهش یافت. در واقع پس از سال ۲۰۱۵ با حمایت‌های همه‌جانبه روسیه و ایران، احتمال سرنوشتی نظام سوریه بسیار اندک به نظر می‌رسید بنابراین ابوظبی لحن تند و انتقادی خود علیه نظام سوریه را کاهش داد و به تدریج رویکرد جدیدی را در قبال سوریه در پیش گرفت تا اینکه سرانجام مخالفت رسمی قبلی خود با دمشق را کنار گذاشت. (Nejat, 2022: 76)

امارات متحده عربی که در سال ۲۰۱۴ به ائتلاف بین‌المللی علیه داعش پیوسته بود در فوریه

2. Timber Sycamore

۲۰۱۵ از این ائتلاف خارج شد. در سال ۲۰۱۵، ابوظبی درخواست عربستان سعودی برای امضای بیانیه مشترک هفت کشور قطر، ترکیه، عربستان، آلمان، فرانسه، بریتانیا و آمریکا در محکومیت دخالت روسیه در سوریه را رد کرد. در واقع برخلاف بسیاری از کشورهای عربی از جمله عربستان سعودی، امارات رسماً با اقدامات نظامی مسکو برای سنگین کردن کفه به نفع دولت سوریه مخالفت نکرد، بلکه انور قرقاش، وزیر مشاور سابق امور خارجه امارات تأکید کرد که مسکو دشمن مشترک (داعش) را در سوریه هدف قرار می‌دهد. (Arab News, 2015) مقامات امارات متحده عربی نیز به صراحت اعلام کردند که ابوظبی ممکن است راه‌حلی برای بحران سوریه بپذیرد که بشار اسد را در قدرت باقی بگذارد. (Ramani, 2016).

در حقیقت طولانی شدن بحران و شکست ارتش آزاد و سایر گروه‌های تروریستی در سوریه به‌رغم حمایت همه‌جانبه مالی و نظامی، بدون کسب نتایج و دستاوردهای مهم، هزینه‌های زیادی را برای امارات در پی داشت لذا امارات با عقب‌نشینی از درگیری‌های سوریه، بازنگری در سیاست خارجی خود را آغاز کرد و توجه و منابع خود را بر جنگ در جبهه یمن و لیبی و رقابت با ترکیه و ایران متمرکز کرد. البته در این دوره کوچک‌ترین اقدام کشورهای عربی برای نزدیک شدن به دولت سوریه بسیار سخت و هزینه‌زا بود، به همین دلیل امارات در دوره دوم، سیاست تدریجی و گام‌به‌گام را در پیش گرفت.

دوره سوم: ۲۰۱۸ - ۲۰۲۴

سومین دوره در سیاست خارجی امارات در قبال سوریه، که می‌توان آن را سیاست تنش‌زدایی و عادی‌سازی روابط نامید، نقطه عطفی در روابط دو کشور تلقی می‌شود. در سال ۲۰۱۸، امارات متحده عربی در چرخشی پراگماتیستی و پس از هفت سال تنش با سوریه، سفارت خود را در دمشق بازگشایی کرد. بدین ترتیب، روندی که ابوظبی از سال ۲۰۱۵ آغاز کرده بود در سال ۲۰۱۸ به افتتاح سفارت امارات متحده عربی در دمشق منتهی شد.

نشانه‌های بهبود و تسریع در گسترش روابط بین امارات و سوریه از اواخر سال ۲۰۱۸ آغاز شد. (Ioanes, 2023) امارات یکی از اولین کشورهای عربی بود که سفارت خود را در دمشق در دسامبر ۲۰۱۸ بازگشایی کرد. عبدالحمید النعیمی، کاردار سفارت امارات در سوریه، در دسامبر ۲۰۱۹ در جشن روز ملی امارات، بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه را «رهبری خردمند» توصیف و بر مناسبات ویژه دو کشور تأکید کرد. در مقابل فیصل المقداد، معاون وزیر خارجه وقت سوریه، نیز تأکید کرد

که سوریه کمک‌های امارات در جنگ با تروریسم را فراموش نخواهد کرد. (CNN Arabic, 2019)

ابوظبی پس از بازگشایی سفارت خود در دمشق آمادگی خود را برای احیای روابط با سوریه اعلام کرد. شرکت هواپیمایی سوریه‌ای «اجنحة الشام» اعلام کرد که پروازهای خود به ابوظبی را از سر گرفته است. بازدیدهای متعدد و حضور مقامات سوری در رویدادهای امارات متحده عربی از سال ۲۰۱۹ افزایش یافت و از سوی دیگر، مقامات و بازرگانان اماراتی نیز سفرهای متعددی به سوریه انجام دادند تا بتوانند وارد بخش اقتصادی این کشور شوند. در اواخر سال ۲۰۱۹ نیز گزارش‌هایی مبنی بر همکاری اطلاعاتی - نظامی بین امارات و سوریه منتشر شد. امارات متحده عربی در این دوره به درخواست سوریه، مهند مصری، شهروند سوریه‌ای ساکن امارات و متهم به همکاری با هیئت تحریر الشام را به علت تأمین مالی تروریسم دستگیر کرد و به سوریه تحویل داد. (Saqr, 2019)

در مارس ۲۰۲۰، محمد بن زاید، ولیعهد وقت ابوظبی، در تماس تلفنی با بشار اسد، حمایت کشورش از ملت سوریه در مقابله با شیوع ویروس کرونا را اعلام کرد. در طول همه‌گیری کرونا، امارات متحده عربی حداقل چهار محموله واکسن و مقادیر نسبتاً زیادی دارو، مواد استریلیزاسیون و آزمایشی به سوریه ارسال کرد. در ۳ اکتبر ۲۰۲۱، وزارت اقتصاد سوریه اعلام کرد که وزیر اقتصاد سوریه با همتای اماراتی خود دیدار کرده است. در این دیدار که در حاشیه نمایشگاه بین‌المللی اکسپو دبئی برگزار شد، دو طرف بر سر تشویق مبادله تجاری و سرمایه‌گذاری و همکاری در سطح اقتصادی بین سوریه و امارات توافق کردند. (Nejat, 2022: 17).

در نوامبر ۲۰۲۱، عبدالله بن زاید، وزیر امور خارجه امارات، از سوریه بازدید و در مورد گسترش همکاری‌های دوجانبه با بشار اسد گفت‌وگو کرد. دو روز پس از سفر وزیر امور خارجه امارات به دمشق، وزارت برق سوریه و گروهی از شرکت‌های مستقر در امارات، قرارداد همکاری برای ایجاد یک نیروگاه خورشیدی ۳۰۰ مگاواتی در منطقه ویدیان الربیعی نزدیک نیروگاه تشرین در حومه دمشق منعقد کردند. (Sky News, 2021)

در سال ۲۰۲۲، بشار اسد، در اولین سفر خود به یک کشور عربی از زمان آغاز درگیری‌ها در سوریه، سفری تاریخی به امارات داشت و طی آن با حاکمان دبئی و ابوظبی دیدار کرد. در مارس ۲۰۲۳، یک هفته پس از سفر به مسقط، بشار اسد دومین سفر رسمی خود را به امارات متحده عربی انجام داد که با استقبال قابل توجهی روبه‌رو شد. محمد بن زاید، رئیس امارات متحده

عربی، در دیدار با بشار اسد بر اهمیت بازگشت سوریه به اتحادیه عرب و تحکیم روابط بین تمام کشورهای عربی تأکید و اشاره کرد که امارات با دل و جان در کنار سوریه ایستاده است. (Heba, 2023)

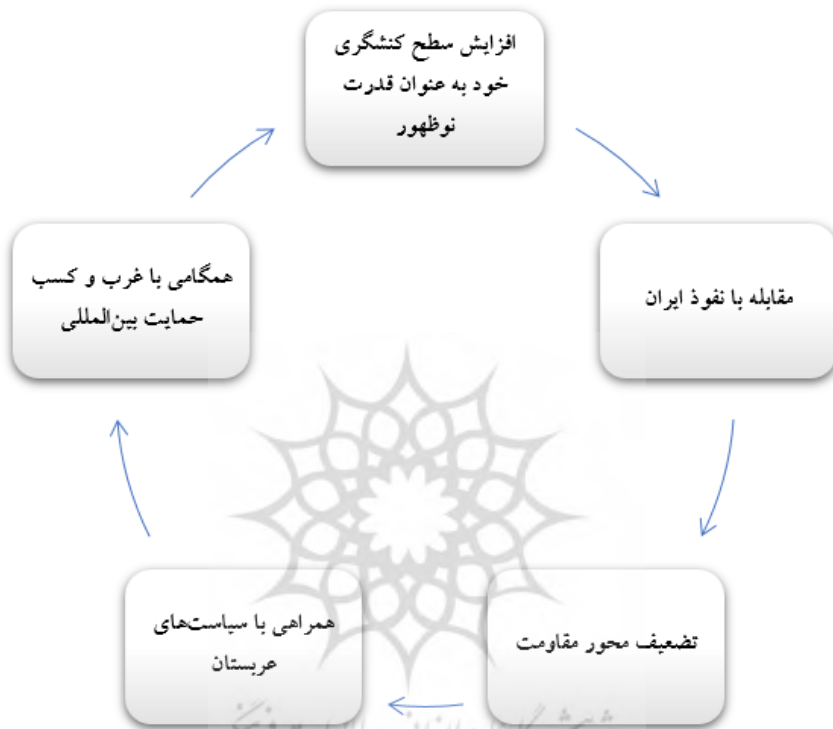
در دوره سوم، امارات متحده عربی تلاش‌های متعددی کرد تا کشورهای عربی منطقه را به عادی‌سازی روابط با سوریه تشویق کند. ابوظبی نقش مهمی در بازگشت دمشق به اتحادیه عرب داشت. عبدالله بن زاید، وزیر امور خارجه امارات، بارها تأکید کرد که بازگشت سوریه به اتحادیه عرب به نفع سوریه و سایر کشورهای منطقه است. لانا زکی نسیبه، نماینده امارات در سازمان ملل متحد، نیز تقویت همکاری میان شورای امنیت و اتحادیه عرب برای دستیابی به راه‌حل برای بحران‌های کشورهای عربی از جمله سوریه را ضروری دانست و تأکید کرد که ثبات سوریه از ارکان اصلی امنیت در کشورهای عربی است. (Al-Ayyam, 2021) در جدیدترین تحولات، در ابتدای سال ۲۰۲۴، حسن احمد الشحی، سفیر کشور امارات به‌عنوان اولین سفیر این کشور در سوریه از سال ۲۰۱۱، به‌عنوان سفیر تام‌الاختیار و فوق‌العاده استوارنامه خود را به فیصل مقداد، وزیر امور خارجه سوریه، تقدیم کرد. (Al-Watan, 2024)

۵. انگیزه‌ها و اهداف امارات از اتخاذ سیاست تهاجمی در بحران سوریه

دگردیسی و چرخش سیاست خارجی امارات در بحران سوریه را می‌توان براساس رویکرد پراگماتیسم به‌خوبی تبیین کرد. ابزارگرایی، پایبند نبودن به اخلاق، رد هرگونه اصول‌گرایی، انعطاف‌پذیری، واقع‌گرایی و منفعت‌طلبی و همکاری براساس منافع مشترک ازجمله اصول پراگماتیسم سیاسی است که سیاستمداران امارات متحده عربی به‌ویژه محمد بن زاید آل‌نهیان، رئیس امارات متحده عربی در رویکرد نخست خود نسبت به بحران سوریه به آن پایبند بودند. دیوید ایگناتیوس، روزنامه‌نگار آمریکایی، محمد بن زاید را «رهبری پراگماتیست» می‌داند. مارتین ایندیک، دیپلمات سابق آمریکایی، نیز محمد بن زاید را به «کیسینجر اعراب» تشبیه کرده است. (Ghantous, 2021) در نگرش پراگماتیسم پایبند نبودن به اخلاق و منفعت‌طلبی اصول کلیدی به شمار می‌روند بدین معنا که سیاستمداران عملگرا، از هر راه و شیوه‌ای برای دستیابی به اهداف و منافع خود استفاده می‌کنند.

در همین راستا، سیاست تهاجمی امارات در سال‌های نخست بحران سوریه ناشی از چند انگیزه و هدف کلیدی برای کسب حداکثر سود و منافع بود. یکی از دلایل اصلی که موجب شد

امارات سیاست تهاجمی را برگزیند تلاش این کشور کوچک برای افزایش نفوذ خود در معادلات منطقه‌ای و تبدیل شدن به بازیگر کلیدی و قدرت نوظهور در عرصه تحولات خاورمیانه بود.



شکل ۱. اهداف امارات از اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی در بحران سوریه (ترسیم از نگارنده)

همکاری و حمایت از متحدان براساس منافع مشترک از دیگر دلایل اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی امارات در سال‌های نخست بحران سوریه بود. امارات متحده عربی و سایر بازیگران مخالف دولت بشار اسد از جمله عربستان سعودی، قطر، ترکیه و اسرائیل در یک هدف مشترک بودند و آن مقابله با نفوذ ایران و تضعیف محور مقاومت در منطقه از طریق تغییر نظام در سوریه بود. ابوظبی علاوه بر همراهی با عربستان سعودی، با هدف کسب حمایت بین‌المللی با ایالات متحده و کشورهای اروپایی همگام بود. امارات متحده عربی با توجه به نفوذ منطقه‌ای ایران در جهان عرب، جمهوری اسلامی ایران را از منظر رقابت‌های ژئوپلیتیک و ناسیونالیستی در

قالب دوگانه انگاری عربی- فارسی و از منظر مذهبی در قالب دوگانگی شیعه- سنی و از حیث نظامی به عنوان تهدیدی علیه موجودیت خود قلمداد کرده است.

امارات متحده عربی در این دوره برای دستیابی به اهداف خود از مکانیسم‌های سیاسی شامل حمایت سیاسی و دیپلماتیک از مخالفان نظام سوریه، تأکید بر کناره‌گیری بشار اسد از قدرت، اخراج سفیر سوریه و حمایت از گروه موسوم به دوستان سوریه بهره گرفت. در سطح نظامی نیز امارات حمایت‌های لجستیکی از شبه‌نظامیان مخالف نظام سوریه کرد و نقش فعالی در اتاق عملیات نظامی موک ایفا کرد.

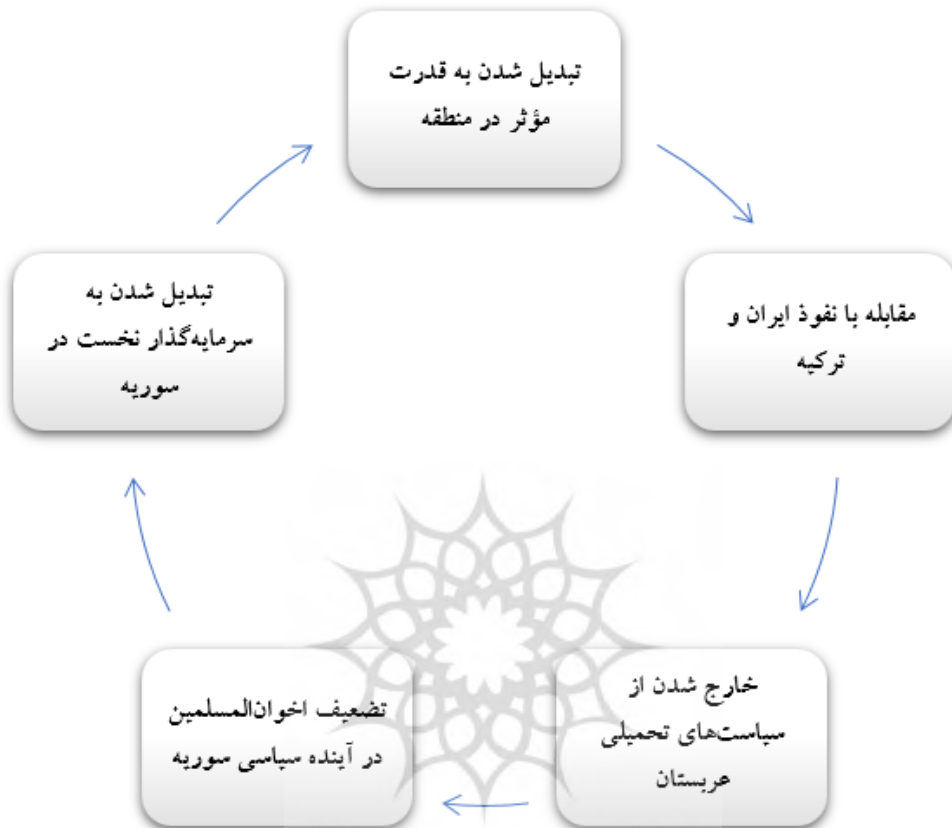
۶. انگیزه‌ها و اهداف امارات از سیاست عادی‌سازی روابط با سوریه

فاکتورهای کلیدی متعددی در تغییر رویکرد سیاست خارجی امارات متحده عربی از سال ۲۰۱۵ در قبال بحران سوریه نقش داشته‌اند. در واقع ملاحظات منطقه‌ای و بین‌المللی و انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی امارات را بر آن داشت تا سیاست‌های خود را در قبال دمشق و رئیس‌جمهور سوریه تغییر دهد. این تغییرات در سیاست امارات متحده عربی نشان‌دهنده رویکرد عمل‌گرایانه این کشور و تلاش برای حفظ منافع خود در شرایط متغیر منطقه‌ای است. در حقیقت، ابوظبی با چرخش پراگماتیستی در سیاست خارجی به دنبال نقش فعال‌تر در ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه و دریای مدیترانه است.

در سطح سیاسی، امارات متحده عربی با عادی‌سازی روابط خود با دمشق و تضعیف نقش اخوان المسلمین تلاش می‌کند به بازیگری تاثیرگذار و مهم در آینده سیاسی سوریه تبدیل شود. (Nejat, 2021: 8) امارات متحده عربی از سال ۲۰۱۱ سیاست مقابله با اخوان المسلمین را دنبال کرده است. با توجه به هراس رهبران امارات از طیف گروه‌های اسلام‌گرا، آنها نسبت به گروه‌های جهادی که در سوریه قدرت یافته‌اند محتاط شده‌اند. امارات متحده عربی تا پیش از انقلاب‌های عربی در رابطه با اخوان المسلمین با مداخلات رفتار می‌کرد، اما جهت‌گیری ابوظبی در پی قدرت‌گیری این جنبش در پی قیام‌های عربی تغییر چشمگیری کرد. در راستای همین سیاست، امارات در سال ۲۰۱۴، اخوان المسلمین را گروه تروریستی اعلام کرد. امارات متحده عربی، برخلاف ترکیه و قطر، که بزرگ‌ترین حامیان مخالفان سوریه بودند، از بیم گسترش افراط‌گرایی و قدرت گرفتن گروه‌های وابسته به اخوان المسلمین در سوریه چندان با این مسیر همگام نشد. ضدیت و دشمنی امارات

با جنبش اخوان المسلمین و تلاش ترکیه و قطر برای تقویت محور اخوانی در منطقه سبب تیرگی روابط ابوظبی با آنکارا و دوحه شد. از سوی دیگر، جریان اخوان المسلمین سوریه و سایر جریان‌های سلفی جهادی سوریه، که مشغول نبرد با دولت مرکزی بودند، دشمن ابوظبی به شمار می‌روند. این همان چیزی است که تصمیم‌گیرندگان در امارات را بر آن داشت تا با احتیاط حمایت خود را از مداخله نظامی روسیه در سال ۲۰۱۵ اعلام کنند. (Roebuck, 2021) محمد بن زاید، رئیس امارات، همواره قدرت گرفتن اخوان المسلمین را تهدیدی برای حاکمان منطقه ازجمله خودش می‌داند. (Dinar & Occhiuto, 2020) ازاین‌رو می‌توان گفت که در قیاس با قدرت‌یابی گروه‌های سلفی و اخوانی در سوریه، بشار اسد کاندیدای ایده‌آلی برای ابوظبی است. (Fenton, 2021)

عامل دیگری که باعث شد رهبران امارات به سمت عادی‌سازی روابط با سوریه گام بردارند تلاش برای کاهش نفوذ ایران و ترکیه در سوریه از طریق مذاکره با دمشق به جای تقابل مستقیم است. از منظر پراگماتیستی، عادی‌سازی روابط امارات با سوریه در ابتدا در راستای منافع امارات و اسرائیل، در مرحله دوم، مهار نفوذ ایران و حزب‌الله لبنان و سوم تضعیف نفوذ ترکیه در کشور سوریه است. (Al-Khaleej Al-Jadeed, 2021) ابوظبی برای ضربه زدن به رقبای منطقه‌ای خود، از طریق نزدیکی به دمشق و تقویت روابط خود با دولت بشار اسد، به دنبال کاهش نفوذ ایران و ترکیه در سوریه و افزایش وزن ژئوپلیتیکی ابوظبی در منطقه شامات است. ابوظبی معتقد است اگر در روند بازسازی سوریه مشارکت فعالی داشته باشد به تضعیف نقش ایران و ترکیه در سوریه منجر می‌شود و امارات به قدرتمندترین بازیگر عربی منطقه تبدیل خواهد شد. در همین زمینه، برخی از کارشناسان سیاسی عرب معتقدند که سفر مقامات امارات به دمشق و توسعه روابط سیاسی و اقتصادی با هدف کاهش نفوذ ایران و ترکیه در سوریه صورت گرفته است. (Alji, 2021) اگرچه رهبران امارات می‌دانند که ایران از حضور خود در سوریه عقب‌نشینی نخواهد کرد؛ پس از پایان جنگ در سوریه، دیگر نیازی به حضور نظامی و مستشاری ایران نخواهد بود. (Hilal, 2021) بسیاری از رسانه‌های عبری معتقدند که هدف از تحرکات ابوظبی برای عادی‌سازی روابط با دمشق، کاهش نفوذ تهران از طریق خروج نیروهای نظامی ایران از سوریه است. (Kahana, 2022) ترس امارات از نفوذ ترکیه در سوریه نیز بخشی از نگرانی‌های این کشور در مورد جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای آنکاراست که یک مقام ارشد اماراتی آن را «راهبرد استعماری» توصیف کرده است. (Roebuck 2021)



شکل ۲. اهداف امارات از عادی‌سازی روابط با سوریه (ترسیم از نگارنده)

تضاد منافع و اختلاف دیدگاه ابوظبی با ریاض متغیری مهم در تغییر رویکرد سیاست خارجی امارات به شمار می‌رود. امارات متحده عربی در دوران شیخ زاید آل نهیان عمدتاً در روندهای امنیتی و سیاست منطقه‌ای، تابع و پیرو عربستان سعودی بود، اما از زمان به قدرت رسیدن محمد بن زاید تغییر در سیاست منطقه‌ای امارات و تلاش برای خارج شدن از سیاست تحمیلی ریاض شکل گرفته است. در سال‌های اخیر، اختلاف دیدگاه‌ها بین امارات متحده عربی و عربستان سعودی در مورد بحران‌های یمن و سوریه ناشی از رقابت رهبران دو کشور برای تبدیل شدن به قدرت ژئوپلیتیکی و اقتصادی در خاورمیانه به‌وضوح نمایان شده است. این دو کشور در ابتدا به‌طور مشترک از مخالفان بشار اسد حمایت می‌کردند، اما امارات از سال

۲۰۱۵ در راستای تأمین حداکثر منافع ملی، رویکرد خود نسبت به تحولات سوریه را تغییر داد، در حالی که عربستان سعودی نسبت به این تغییرات محتاطانه عمل کرد.

فاکتور دیگری که باعث شد امارات به سمت عادی سازی روابط با سوریه گام بردارد، کسب حداکثر سود و منافع اقتصادی است. در سطح اقتصادی، امارات به دنبال سرمایه گذاری و مشارکت در بازسازی سوریه پس از بحران است. از نظر اقتصادی، ابوظبی در آرزوی کسب سهم ارزشمندی از بازسازی سوریه است که استفان دی میستورا، نماینده سابق سازمان ملل متحد در سوریه، آن را بین ۲۵۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار تخمین زده است. (Hatahet, 2019: 2) سرمایه گذاری در پروژه های بازسازی و همکاری های تجاری می تواند به رشد اقتصادی امارات کمک کند. قبل از سال ۲۰۱۱، امارات متحده عربی دومین سرمایه گذار بزرگ عرب در سوریه، به ویژه در بخش املاک و مجتمع های گردشگری بود. از سال ۲۰۱۷، صادرات امارات سوریه افزایش داشته است. امارات متحده عربی تا اواخر سال ۲۰۲۱، یکی از مهم ترین شرکای تجاری سوریه در سطح جهانی محسوب می شد و در جهان عرب رتبه اول و در جهان، رتبه سوم را دارا بود و بیش از ۱۴ درصد تجارت خارجی سوریه را به خود اختصاص می داد. (Al-Bayan, 2021) تا اواخر سال ۲۰۲۴، امارات متحده عربی به دلیل ضعف اقتصادی روسیه و ایران و حضور نداشتن قطر و عربستان سعودی در تلاش بود تا به سرمایه گذار اصلی در روند بازسازی اقتصادی تبدیل شود و در بخش های مختلف سوریه از جمله زیرساخت ها، توسعه املاک و مستغلات و حمل و نقل سرمایه گذاری کند، اما به دلیل تحریم های آمریکا از جمله قانون سزار، که با هدف ممانعت از ورود سرمایه برای بازسازی سوریه به اجرا درآمده بود، ناکام ماند.

۷. نتیجه گیری

روابط امارات متحده عربی و سوریه طی یک دهه گذشته شاهد فرازونشیب های بسیاری بوده است. پس از شروع ناآرامی ها در سوریه، مقامات امارات به تبع برخی از بازیگران منطقه ای و با هدف دستیابی به حداکثر منافع ملی، روابط دیپلماتیک خود با دمشق را قطع کردند و به حمایت از مخالفان نظام پرداختند، اما امارات از سال ۲۰۱۵ به تدریج رویکرد تهاجمی خود را تغییر داد و در سال ۲۰۱۸، در چرخشی پراگماتیستی پس از هفت سال تنش با سوریه، سفارت خود را در دمشق بازگشایی کرد. درواقع، رویکرد امارات در عرصه سیاست خارجی به رویکردی واقع گرایانه تبدیل شده است که بر مبنای آنها دوست و دشمن دائمی برای کشورها وجود

ندارد و تنها منافع ملی است که باید چراغ راهنمای مقامات تصمیم‌گیر در یک کشور باشد. در راستای همین سیاست، ابوظبی براساس نگرش پراگماتیسم، با سرنگونی نظام بشار اسد در دسامبر ۲۰۲۴، روابط خود را با دولت جدید ادامه داد. امارات ضمن حمایت از انتخاب مردم سوریه، از همه طرف‌ها خواستار تلاش برای حفظ یکپارچگی سوریه شد. اداره امور سیاسی دولت انتقالی سوریه نیز در بیانیه‌ای از امارات متحده عربی به علت از سرگیری فعالیت نمایندگی دیپلماتیک خود در دمشق قدردانی کرد.

به طور کلی، سقوط بشار اسد به‌طور همزمان دربردارنده فرصت‌ها و چالش‌هایی برای امارات متحده عربی است. امارات که همواره به دنبال فاصله گرفتن سوریه از ایران بوده، با سرنگونی بشار به این هدف دست یافت، اما سقوط اسد از سوی دیگر نفوذ سایر رقبای منطقه‌ای امارات یعنی ترکیه و قطر به‌عنوان حامیان اصلی حاکمیت جدید سوریه را تقویت کرده است. این موضوع، که با سیاست‌های امارات در تضاد است، می‌تواند رقابت‌های جدیدی را بین امارات و ترکیه ایجاد کند. ابوظبی همچنین سیطره اسلام‌گرایان با پشتوانه ایدئولوژیک جهادی و اخوانی، که می‌تواند تقویت‌کننده الگوی اخوان‌المسلمین در منطقه باشد، را به‌عنوان یک تهدید اساسی تلقی می‌کند. ازاین‌رو، پس از سیطره هیئت تحریر الشام بر دمشق، انور قرقاش، مشاور دیپلماتیک رئیس امارات، به‌وضوح نگرانی خود را از افزایش افراط‌گرایی و تروریسم در سوریه ابراز کرد و متعاقباً امارات متحده عربی ۱۹ فرد و نهاد مرتبط با اخوان‌المسلمین را در لیست تروریستی خود قرار داد. با این حال، ابوظبی به‌رغم بدبینی نسبت به حاکمیت جدید سوریه و احمد الشرع، رئیس‌جمهور موقت آن، ممکن است با هدف کسب حداکثر منافع و ممانعت از تسلط و نفوذ کامل ترکیه بر دمشق و جلوگیری از قدرت‌یابی جنبش‌های اسلامی افراطی در سوریه، روابط سیاسی و اقتصادی خود با دولت جدید دمشق را گسترش دهد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Abdel Latif, M. (2021, November 10). Bin Zayed Opens the Arab Path: The Season of Return to Syria. *Al-Akhbar Newspaper*. <https://al-akhbar.com/Syria/322862> [In Arabic]
- Al-Ani, T. (2021, October 5). Taking an Economic Dimension: What Are the Reasons for the Acceleration of UAE-Assad Regime Meetings?. *Khaleej Online*. <http://khaleej.online/ekdX54> [In Arabic]
- Al-Ayyam. (2021, March 25). *UAE: Syria's Stability Is a Pillar of Arab Security*. <https://www.alayyam.info/news/8YAC4TW4-LLFD60-F0A5> [In Arabic]
- Al-Bayan. (2021, October 5). *UAE and Syria Discuss Frameworks for Developing Economic Relations and Expanding Their Horizons*. <https://www.albayan.ae/economy/uae/2021-10-05-1.4263207> [In Arabic]
- Al-Khaleej Al-Jadeed. (2021, November 10). *Normalization with the Syrian Regime: Abu Dhabi's Motives for Rapprochement with Assad*. <https://the-newkhalij.news/article/248717/> [In Arabic]
- Al-Mahrah Post. (2018, August 1). *Has the UAE Raised the White Flag for Bashar Assad's Survival?*. <https://almahrahpost.com/news/5187> [In Arabic]
- Al-Watan. (2024, January 30). *Al-Shahi, the First Ambassador of His Country to Arrive in Damascus Since 2011: UAE Upgrades Its Diplomatic Representation in Syria*. <https://alwatan.sy/archives/376985> [In Arabic]
- Alji, H. (2021, November 10). Does the UAE-Syria Rapprochement Aim to Reduce Iranian Influence?. *Erem News*. <https://www.eremnews.com/news/arab-world/gcc/2353098> [In Arabic]
- Arab News. (2015, December 1). *UAE says ready to commit troops to fight Daesh in Syria*. <https://www.arabnews.com/featured/news/843281>
- Ardemagni, E. (2021, October 28). *UAE's foreign policy: From militias in the Rimland to Straits diplomacy*. Carnegie Endowment for International

Peace. <https://carnegieendowment.org/sada/2021/10/uaes-foreign-policy-from-militias-in-rimland-to-straits-diplomacy?lang=en>

CNN Arabic. (2019, December 3). *UAE Chargé d'Affaires in Damascus: We Hope Security Prevails in Syria Under Assad's Wise Leadership*. CNN Arabic. <https://arabic.cnn.com/middle-east/article/2019/12/03/uae-syria-uae> [In Arabic]

De Tocqueville, A. (2017). *Analysis of Democracy in America*. translated by Rahmatollah Moghadam. Tehran: Scientific and cultural publications. [In Persian]

Dinar, A., & Occhiuto, A. (2020, November 21). *Will the Caesar Act impact the UAE's Syria strategy?*. Responsible Statecraft. <https://responsiblestatecraft.org/2020/11/21/will-the-caesar-act-impact-the-uaes-syria-strategy/>

Eskfler, I. (1987). *Four Pragmatists*. translated by Mohsen Hakimi. 1st edition. Tehran: Markaz Publishing. [In Persian]

Fenton-Harvey, J. (2021, November 11). *Defying Washington, the UAE seeks further Arab normalization of Assad*. Inside Arabia. <https://insidearabia.com/defying-washington-the-uae-seeks-further-arab-normalization-of-assad/>

Ghantous, T. (2021, September 14). *The UAE's Machiavellian journey from 'Little Sparta' to 'Little Singapore'*. The Washington Post. <https://www.washingtonpost.com/opinions/2021/09/14/uaes-machiavellian-journey-little-sparta-little-singapore>

Ghanbari, A. (2004). *A Critique of Humanism and Liberalism*. 1st edition. Qom: Faraz Andisheh. [In Persian]

Gholamnia, H., & Pirmohammadi, S. (2019). Leadership Change and Transformation in the UAE's Regional Strategy. *Foreign Relations Quarterly*. No. 44. Winter. pp. 81-111. [In Persian]

Hatahet, S. (2019, March). Russia and Iran: Economic influence in Syria. *Chatham House*. <https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/publications/research/2019-03-08RussiaAndIranEconomicInfluenceInSyria.pdf>

- Heba, M. (2023, March 19). *After Moscow... Assad Visits Abu Dhabi, and the UAE President Calls for Syria's Return to Its Arab Environment*. Al-Quds Al-Arabi. <https://www.alquds.co.uk/> [In Arabic]
- Hilal, K. (2021, November 18). The UAE's quest to rehabilitate the Syrian regime. *Geopolitical Futures*. <https://geopoliticalfutures.com/the-uaes-quest-to-rehabilitate-the-syrian-regime/>
- Hosseini, S. M. (2018). The Role of the United Arab Emirates in the Developments of Bahrain and Yemen. *Islamic Awakening Quarterly*. No. 13. Spring. pp. 63-84. [In Persian]
- Ioanes, E. (2023, June 14). Why Arab countries are welcoming back Assad. *Foreign Policy*. https://foreignpolicy.com/2023/06/14/why-arab-countries-are-welcoming-back-assad/?tpcc=recirc_latest062921
- Kahana, A. (2022, March 3). Focus of tripartite summit: Syria's potential return to Arab League. *Israel Hayom*. <https://www.israelhayom.com/2022/03/23/focus-of-tripartite-summit-syrias-potential-return-to-arab-league/>
- Kirkpatrick, D. (2019, June 2). The most powerful Arab ruler isn't M.B.S. it's M.B.Z. *The New York Times*. <https://www.nytimes.com/2019/06/02/world/middleeast/crown-prince-mohammed-bin-zayed.html>
- Max, H., & Fisch, G. (1951). *Classic American philosophers*. New York, NY: Appleton-Century-Crofts.
- Nejat, S. A. (2016). *The Syrian Crisis and Regional Actors*. Tehran: Abrar Moasar Institute. [In Persian]
- Nejat, S. A. (2021, November 23). *Reasons and Implications of the UAE-Syria Rapprochement*. Research Papers. Al-Mustaqbal Center for Strategic Studies. <https://mcsr.net/regional/711> [In Arabic]
- Nejat, S. A. (2022, September 1). Dynamics of UAE Foreign Policy Toward Regional Conflicts. Research Papers. *Al-Sharq Center for Strategic Studies*. <https://research.sharqforum.org/ar/2022/09/01> [In Arabic]

- Nejat, S. A. (2022). The Syrian Crisis: Roots, Dimensions and Consequences. Tehran: Andishe-Sazan Noor Institute. **[In Persian]**
- Obeida, A. (2020, December 31). Dynamics of UAE Foreign Policy Toward the Syrian Conflict. *Al Jazeera Centre for Studies*. <https://studies.aljazeera.net/ar/article/4881> **[In Arabic]**
- Ramani, S. (2016, August 2). How Russia is courting the Gulf. *The National Interest*. <https://nationalinterest.org/feature/how-russia-courting-the-gulf-17207>
- Roebuck, W. (2021, August 10). Gulf reengagement with Syria: Heading into the wall. *Arab Gulf States Institute in Washington*. <https://agsiw.org/gulf-re-engagement-with-assad-regime-signals-new-phase-in-the-struggle-for-syria/>
- Sabzian M. A. and Bahman. Sh. (2010). Pragmatism and Politics: A Review and Critique of Pragmatism in the Realm of Politics and Governance. *Political and International Research Quarterly*. No. 5, pp. 89–123. **[In Persian]**
- Saqr, K. (2019, December 2). UAE Police Respond to Syrian Interior Ministry's Request to Hand Over a Terrorism Financier. *Al-Quds Al-Arabi Newspaper*. <https://www.alquds.co.uk/> **[In Arabic]**
- Sky News. (2012, November 26). *The Future of Investment in Syria*. <https://www.skynewsarabia.com/business/56926> **[In Arabic]**
- Sky News. (2021, November 11). *Syrian-UAE Cooperation to Establish a Solar Power Plant in Damascus Countryside*. <https://www.skynewsarabia.com/business/1478355> **[In Arabic]**
- Zaabal, I. (2021, December 8). Ideology versus Pragmatism in American Foreign Policy. *Arabi 21*. <https://arabi21.com/story/1403096> **[In Arabic]**